

عرصه خیال

گزیده شعر فارسی

به اهتمام
وحید طلعت



انتشارات آدالار

یادداشت ناشر:

مستم کن آن چنان که ندانم ز بیخودی

در عرصه خیال که آمد کدام رفت

حافظ

شعر، اصیل ترین هنر نزد ایرانیان است. بدون شک کمتر ملتی در تاریخ جهان این همه شاعر و ادیب به جای مانده. زیبایی هنر ایرانی به اندیشه و احساس اوست، و شعر میراث عظیم مردمان شرق است.

هر کدام از ما ایرانیان در دوره نوجوانی حتمی دفتر شعری داشته‌ایم، و از میان هزاران شعر، شعرهایی انتخاب می‌کردیم و با ذوق در این دفترها یادداشت می‌کردیم. این گزیده‌ها مثل گنجینه‌های گران بها از ادبیات نزد ما بود. هر کسی بسته به سلیقه و اندیشه‌اش در میان دریای بیکران شعر و ادب به دنبال تکه‌ای که شده خود بود، و چه رسم زیبایی، رسمی که کاش در مدارس ما نیز آموزش داده می‌شد و در دانش آموز در طول دوران تحصیلش یک دفترچه شعر تهیه می‌کرد. با ادبیات انس بیشتری می‌گرفت و ناب‌ترین لحظه‌های تاریخ این سرزمین را زیباتر می‌زیست.

گزیده حاضر، گلچینی از شعر شاعران کلاسیک تا معاصر می‌باشد. دفتر شعر را با مشخصاتی که ذکر شد، با این امیدواری که مورد قبول طبع مخاطبان خوش ذوق زبان فارسی قرار گیرد، و عطری از گلستان بی نهایت ادبیات را در خاطرات خوانندگان گرامی زنده کرده باشد.

فهرست

- ۱۱ در سر بنه به بالین تنها مرا رها کن / مولوی
- ۱۲ ای ساریان آهسته رو کارام جانم می‌رود / سعدی شیرازی
- ۱۴ جان جز خال در دست نمانی دگر نبندد / فیض کاشانی
- ۱۵ شب چون بستم و مست از می نابش کردم / فرخی یزدی
- ۱۶ نمیتوان به تو درم بلامی سجان کرد / هلالی جغتایی
- ۱۷ سوی شکار ای بت رعنا می‌روم / هلالی جغتایی
- ۱۸ من گرفتار و تو در بند رضای دگران / هلالی جغتایی
- ۱۹ تا هستم ای رفیق ندانی که کیستم / شهریار
- ۲۰ از تو بگذشتم و بگذاشتمت با دگران / شهریار
- ۲۱ امشب ای ماه به درد دل من تسکینی / شهریار
- ۲۲ چو در بستی بروی من به کوی صبر رو کردم / شهریار
- ۲۳ مرا چون قطره اشکی ز چشم انداختی رفتی / محمد قهرمان
- ۲۴ آخر ای بیگانه خو نا آشنایی این همه؟ / وحشی بافقی
- ۲۵ کاری مکن که رخصت آه سحر دهم / وحشی بافقی
- ۲۶ قدر اهل درد صاحب درد می‌داند که چیست / وحشی بافقی
- ۲۷ دگر آن شبست امشب که ز پی سحر ندارد / وحشی بافقی
- ۲۸ چرا ستمگر من با کسی جفا نکند؟ / وحشی بافقی

- ۲۹ به مجنون گفت روزی عیب جوئی / وحشی بافقی
- ۳۰ دوستان شرح پریشانی من گوش کنید / وحشی بافقی
- ۳۴ آمد و آتش به جانم کرد و رفت / معینی کرمانشاهی
- ۳۵ دردا که درد عشق تو از گفت و گو گذشت / معینی کرمانشاهی
- ۳۶ خانمانسوز بود آتش آهی، گاهی / معینی کرمانشاهی
- ۳۷ نقره بد بر تو، که آن ساقی چشمت / معینی کرمانشاهی
- ۳۹ آمد / در نگاهش آن نوازش ها نبود / ابوالحسن وزیری
- ۴۰ چو دل در دلیلی بست نگاهش دار من رفتم / اوحدی مراغه‌ای
- ۴۱ چنانا دلم ز دروغش تو کم بوخت / اوحدی مراغه‌ای
- ۴۲ مرا گویی که چونی: خونم ای دوست / نظامی گنجه‌ای
- ۴۳ شکست عهد من و گفت: سپه بر بدست / ایرج دهقان
- ۴۴ خدا مرا به فراق تو مبتلا نکند / شب‌ساز
- ۴۵ دیگران در کار دنیايند و من در کار دل / امیر بیروزکوهی
- ۴۶ گفتی: بگوی عاشق و بیمار کیستی؟ / جامی
- ۴۷ زندگی در صدف خویش گهر ساختن است / اقبال / سوری
- ۴۸ خوبی همین کرشمه و ناز و خرام نیست / بابا فغانی شیرازی
- ۴۹ ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد / حزین لاهیجی
- ۵۰ آبی خاکستری / سیاه حمید مصدق
- ۵۸ تو به من خندیدی و نمی‌دانستی / حمید مصدق
- ۵۹ چون زلف تو ام جانا در عین پریشانی / رهی معیری
- ۶۰ اشکم ولی به پای عزیزان چکیده‌ام / رهی معیری
- ۶۱ بیمار غمت را به جز از صبر دوا نیست / سلمان ساوجی

- ۶۲ برای خاطر غم آفرینند / بیدل دهلوی
- ۶۴ اینقدر ریش چه معنی دارد / بیدل دهلوی
- ۶۵ سر سودای تو را سینه ما محرم نیست / خاقانی شروانی
- ۶۶ هر که در عاشقی قدم نزده است / خاقانی شروانی
- ۶۷ دارم بتی به چهره صد ماه و آفتاب / عبید زاکانی
- ۶۸ غم الصباح که نرگس پیاله بردارد / عبید زاکانی
- ۶۹ من نیستم از خویش به تنگ آمده‌ای / ابوسعید ابوالخیر
- ۷۱ روزی گذشت پادشاه از گذرگهی / پروین اعتصامی
- ۷۲ ای خوش مستان سر دلیبر داشتن / پروین اعتصامی
- ۷۴ محتسب، مستی به ره دید و گردانش گرفت / پروین اعتصامی
- ۷۵ دلی دیرم خریدار محبت / یا طاهر عربیان
- ۷۶ الا ای آهوی وحشی کجایی / حافظ
- ۷۹ ما عاشق و مستیم و طلبکار خدائیم / شاعر معاصر
- ۸۰ بنه آینه‌ای اندر برابر / شیخ محمود شبستری
- ۸۲ چرا شکسته چنین رنگ و روی گلفامت؟ / عاشق کجایی
- ۸۳ در این زمانه نه یاری، نه غمگساری هست / شاطر عباس صبح
- ۸۴ روزه دارم من و افطارم از آن لعل لب است / شاطر عباس صبح
- ۸۵ صبح آن که داشت پیش تو جام شراب را / محتشم کاشانی
- ۸۶ جانا، مرا غم تو به غایت همی رسد / رشید الدین و طواط
- ۸۷ به بوسه‌ای ز دهان تو آرزومندم / فروغی بسطامی
- ۸۸ امشب تو را به خوبی نسبت به ماه کردم / فروغی بسطامی
- ۸۹ ای شب به پاس صحبت دیرین، خدای را / فریدون مشیری

- ۹۱ تو نیستی که بینی / فریدون مشیری
- ۹۴ همه می‌پرسن / فریدون مشیری
- ۹۷ بی تو، مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم / فریدون مشیری
- ۱۰۰ شب عبور شما را شهاب لازم نیست / قیصر امین پور
- ۱۰۱ تو قلّه خیالی و تسخیر تو محال / قیصر امین پور
- ۱۰۲ در سال این دلف ترک خورده نشستیم / قیصر امین پور
- ۱۰۳ چشم پرشش بی پاسخ حیرانی‌ها / قیصر امین پور
- ۱۰۴ من از شهد آدمی تو را دوست دارم / قیصر امین پور
- ۱۰۵ الفبای درد از بی‌بسی ترا / قیصر امین پور
- ۱۰۶ شنیدم که چون قوی بیا ببرد / حمیدی شیرازی
- ۱۰۷ وفا نکردی و کردم، خطا ندانم و / مهرداد اوستا
- ۱۰۸ تو را من چشم در راهم / تیما یورج
- ۱۰۹ باز امشب از خیال تو غوغاست در دلم / سوسه / ابتهاج
- ۱۱۰ امشب به قصه دل من گوش می‌کنی / هوشنگ ابتهاج
- ۱۱۱ اشکها آهسته ملغزند بر رخسار زردم / عماد خراسانی
- ۱۱۲ دوستت دارم و دانم که تویی دشمن جانم / عماد خراسانی
- ۱۱۳ باز آمدم که باز پریشان کنی مرا / پژمان بختیاری
- ۱۱۴ قطره‌ای آبم ز چشمی اشکبار افتاده‌ام / پژمان بختیاری
- ۱۱۵ تا به سر سودای آن گیسوی دامنگیر دارم / پژمان بختیاری
- ۱۱۶ ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی / فخرالدین عراقی
- ۱۱۷ ابر را دیدیم چون ما چشم گریانی نداشت / کلیم کاشانی
- ۱۱۸ نه همین می‌رمد آن نوگل خندان از من / کلیم کاشانی

- ۱۱۹ ما چون دو دریچه ، روبروی هم / مهدی اخوان ثالث
- ۱۲۰ سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت / مهدی اخوان ثالث
- ۱۲۲ داد چشمان تو در کشتن من دست به هم / وصال شیرازی
- ۱۲۳ خلوت نشین خاطر دیوانه منی / شفیع کدکنی
- ۱۲۴ تاکی به تمنای وصال تو یگانه / شیخ بهایی
- ۱۲۶ اقبیا! بده جامی، زان شراب روحانی / شیخ بهایی